تناقضات

در حرف های مخالفانِ

" دولت إسلامی "

ترجمه مقاله: مُضحِکَاتُ المُبکِیَات

نوشته: شیخ حسین بن محمود (حفظه الله)

بسم الله و الحمدلله و الصلاة والسلام علی رسول الله و بعد:

گفته میشود: فلانی از شدت خنده، گریه کرد" و این زمانی است که چشم ها بسبب غرق در خنده گشتن، بخاطر مسئله بزرگی اشک می ریزد، وگفته میشود: چیزی که آدم را از شدت خنده به گریه می اندازد" هرگاه مسئله جای بسی تأسف و گریه که سبب جاری شدن اشک را از چشم ها میگردد، در حدی که صاحبش را از شدت غریبی و تعجب به خنده می اندازد...! حال ما نیز در این زمان در بسیاری از امور چنین است..

از جمله مسائل خنده داری که آدم را به گریه می اندازد: به گل نشسته گان عقب مانده از جهاداند که طبق نصوص به عذاب دردناک تهدید گشته اند، هنگامی که از مجاهدان سنگر وجبهه های جهاد انتقاد می کنند. !! همانگونه که معلوم است نزد همه علما، هنگامی که دشمن دولت و سرزمین مسلمانان را اشغال می کند، جهاد بر أهل آن دیار فرض عین است، و اگر توانایی دفع آن را نداشته باشند، بر مسلمانان نزدیک آن دیار فرض عین است، تا بجایی میرسد که بر تمام مسلمانان فرض می گردد، و این قضیه نزد تمام علما و طلاب علم و هرکسی که کتاب های فقهی را مطالعه کرده باشد، مورد اتفاق بوده و از جمله مسائلی است که در دین بطور ضرورت معلوم گشته است. و جهاد امروزه فرض عین است به اتفاق علما، و الله تعالی کسانی را که از جهاد عقب مانده اند، ذمّ و سرزنش نموده است که می فرماید: {رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لاَ يَفْقَهُونَ} (التوبة : ۸۷ } : یعنی: "راضی گشته اند که همراه عقب ماندگان باقی بمانند و (اینها) بر قلبهایشان مهر زده شده، پس آنان نمی فهمند." امام ابن الجوزی در (زادالمسیر) می فرماید: در کلمه (خَوالِف) عقب ماندگان؛ دو قول آمده است، اوّل اینکه: مقصود از آنان زنان است، این رأی ابن عباس ومجاهد و قتاده و شمربن عطیة و ابن زید و فرّاء... است و قول دوم: خوالف عبارت است از فرومایه گان و پست ترین های میان مردم، گفته میشود: فلان خالفة أهله؛ هرگاه کمتر از آنان باشد، ابن قتیبة آن را ذکر کرده است ." آیا پست تر نیست کسی که جزو فرومایه و کمترین مردم باشد که از جهاد عقب مانده و با زنان نشسته است اما: بر شأن مجاهدان حمله ور شود..!!

از جمله مسائل خنده دار که آدم را به گریه می اندازد؛ حرف بعضی از آنانست که می گویند: دولت إسلامی دست نشانده إیران است.! و در نهایت گستاخی می پرسند: چرا دولت إسلامی، إیران را هدف قرار نمی دهد؟ و من با کمال جسارت می گویم: زیرا این شخص در کشوری

و تحت سلطان حکومتی نشسته است که ارتباط های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی با ایران دارد، بلکه سفارت إیران نزدیک منزل ایشان قرار دارد، و در کشورش اماکن شرکی مخصوصی وجود دارد که در آنجا به ناموس پیامبر صلی الله علیه و سلم فحش می دهند، از همه اینها چشم می پوشاند، کاش دولتهایی بودن که یک رافضی جرأت رفت و آمد در آن را نداشت واگر هم مانند شهروندی وجود داشت، اما جرأت إظهار شرکیات و إعلان عقیده کفری اش را نداشت، و به حقیقت دولت اسلامی تمامی معبد های رافضی ها در داخل حدود خود را منفجر ویران نمود، در حالی که حسینیه های کشور این " گستاخ" با نگهبانی پلیس هایش از ترس طرفداران دولت إسلامی، عید و مراسم شرکی خویش را به پای میدارند. وهنگامی که دولت إسلامی معابد رافضی ها را منفجر میسازد، أمراء و شخصیت های حکومتیشان در اینجا و آنجا، فورا به آنان تسلیت عرض میدارند..! بلکه برخی ازین شخصیت ها و أمراء در این معابد به اتفاق بندگان فارس نماز بجای می آورند" می گویم: "بندگان فارس"، زیرا خمینی دین جدیدی است که عرب ها را به بنده خویش درآورده است: مالهایشان را به نام (خُمس) غارت کرده و زنانشان را باسم صیغه (متعة) حلال خود می دانند و آنان را برای جنگ با دشمنانشان تحت عنوان نصرت(اهل بیت)، استخدام می کنند، و مقصودشان از (بیت) بیت آتش مجوسی فارسی است، نصر بن سیّار راست گفت هنگامی که وصف دین رافضة را چنین معرفی می کند:

اگر از اصل دینشان سؤال می کنی ... همانا که دینشان آنست که عرب را به قتل برسانند

چرا دولت إسلامی إیران را بمباران نمی کند ؟ این سؤال را، از شخص سؤال کننده می پرسیم: اگر دولت اسلامی دست نشانده ایران است، و دولت إسلامی در همان حال دشمن تو ودشمن دولت های عربی توست، و إیران نیز، دشمن تو و دلتهای عربی توست، چرا دولت های عربی تو إیران را بمباران نمی کنند؟ چرا هواپیماهای جنگنده دیار تو در کنار هواپیماهای جنگنده إیران بر آسمان عراق و سورية، دولت إسلامی را بمباران می کنند؟ چرا دولت های عربی تو ارتباط خود را با إیران قطع نمی کنند؟ چرا هرموقع دولت إسلامی بخواهد به مرزهای إیران نزدیک شود، جنگنده های دول عربی بطور وحشیانه و دیوانه وار سربازان دولت إسلامی را بمباران می کنند، همانگونه که در کرکوک و أربیل رخ داد؟ چرا دولت های عربی (مدعی مدافعان أهل سنت ولی در حقیقت دست نشاندگان یهود و صلیبی

ها) از معابد شرکی رافضی ها از ترس انفجارهای انصار دولت اسلامی در آن معابد، در کشورشان حمایت می کنند؛ اما در همان حال از مساجد أهل سنت (در داخل إیران و خارج آن) که مورد حمله و تخریب حکمرانان ایران واقع میشوند حمایت نمی کنند. (و یا از کشتارهایی که بسبب سهل انگاری های عمدی حرمین شریفین در موسم حج رخ داد.)!!

از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ سخن بعضی است که می گویند: دولت إسلامی خوارج است زیرا آنان أهل اسلام را می کُشند و أهل أوثان و کافران را رها می کنند.!! ازین (نابغه) می پرسیم: آخرین باری که دولت های عربی، مدعی اسلام تو کافری را که کُشتند کَی بود؟! آیا بعد از" بهار عربی" براتون روشن نشد که چه کسی أهل إسلام را قتل عام می کند و کافران را رها می کند ؟!! آخرین باری که ولی أمرهایت، جنگ بر علیه کفار را إعلان نمودند چه وقت بود ؟!! شاید یکی دیگر بگوید: دولت و ولی أمر ما با رافضی های حوثی در یمن جنگ می کند، ولی ما به او می گوییم: خوب بفرما کفر حوثی ها را برایمان روشن کن.. واگر آنان را تکفیر نمی کنید پس مسلمانند، آنوقت هیچ دلیل و حجتی برایت باقی نمی ماند، و اگر آنان را تکفیر کنی، پس تو (تکفیری خوارجی) هستی که أهل قبله را تکفیر می کنی و آنگاه درتکفیر آنان با ولی أمر خود مخالفت می ورزی، و اگر همه نیروهایتان را جمع نموده وآنان را تکفیر نمایید همراه با ولاة أمرتان، آنگاه نیز می گوییم: پس حال سربازان علی عبدالله صالح چگونه است که آنان نیز مسلمانند و کشته میشوند، اگر بگویی: در یمن، دفع دشمن یورش آورنده است، براستی که دروغ گفتی، زیرا آنان به دولت و کشور تو حمله نکرده اند، و اگر بگویی: فقط در خاک یمن به مسلمانان تعرض نموده اند، می گوییم: این مخالف مبدأ وطنی بودنی است که ولی أمر شما به آن معتقد است، اگر بگویی: ولی أمرهای ما به مبدأ إسلامی اعتقاد دارند که عبارت است از نصرت مسلمانان مستضعف، آنگاه می گوییم: پس چرا یهود را بمباران نمی کنند یا رافضی ها در عراق را، یا نصیری ها در شام و بوداییها در بورما یا إیرانی ها در إیران را؟! پس چرا جنگنده های هوایی آنان بر فراز مرزهای یهود عبور می کنند و بر سر نصیری ها پرواز می نمایند واز رافضی های عراق عبور می کنند تا مسلمانان فلوجه و حَسَکه و رقة و حلب را بمباران نمایند !! سپس، ای علّامه زمان خودت؛ اگر تو رافضی ها را تکفیر می کنی، پس به ولی امر خود بگوکه به آنان إجازه ورود به حرم مکه را ندهد زیرا به نص قرآن جایز نیست که مشرکین نجس، داخل حرم گردند..

از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ سخن بعضی از آنان است هنگامی که می گویند: دولت إسلامی جهاد در شام را به فساد کشید، و اگر او نبود تاکنون شام آزاد گشته بود !! به این نابغه ها می گوییم: قلم تاریخ که خشک نگردیده است، وبطور استمرار حافظه ها سرشار وباقی است: بلکه نصیری ها نزدیک بود انقلاب سوریه را به آتش بکشانند، اگر دخالت دولت إسلامی نبود، هنگامی که سربازان خود را بنام (جبهة النصرة) با نصف بیت المال خود بدانجا فرستاد، تا مسلمانان شام را نجات دهد.. براستی که نظریه غریبی إرائه می دهند: نصیری و نصرانی ها و هم پیمانان عرب با آنان مردم شام را قتل عام می کنند، أما دولت إسلامی مسؤول است !! رافضی ها و نصیری و نصرانی و حلفای عرب با آنان أهل عراق را قتل عام می کنند ، اما دولت أسلامی مسؤول است !! آمریکا به أفغانستان حمله کشید و صدها هزار کشته و آواره برجای گذاشت، أما أسامة و ملاعمر مسؤولند !! آمریکا به عراق حمله ور گشت و بیش از دومیلیون عراقی را قتل عام نمود، اما صدّامی را که آمریکا خودش به او چراغ سبز داده بود برای حمله به کویت، مسؤول است، !! یهود غزة را بمباران می کند، أما حماس مسؤول است،!! أرتش بر حکومت مصر کودتا می کند و هزاران نفر را کشته و هزاران نفر را هتک حرمت می کند، أما إخوان المسلمین مسؤول است، !! قاتلی را که جلو چشم تمام جهان، مردم را در مقابل تلویزیون - با صوت و صورت - قتل عام می کند، قاتل حقیقی نیست، بلکه قاتل حقیقی خود مقتول است، شخص بمباران کننده مبرّا و شخص بمباران شده گناهکار است !! کسی که هتک حرمت و ناموس شده، قربانی و شخص مدافع از آن مجرم أست !! براستی که عقل های بازی دارند !!

از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد: آنچه که به نام کنفرانس های دوستان سوریه دایر میشود !! روسیه و إیران و آمریکا وچین و فرانسه و انگلیس و دولت های خلیج ومصر و أردن در سویسرا برای گفتگو در باره خواسته های مردم سوریه جمع می گردند، أما در میان کنفرانس و حاضرین، یک شخص سوریه ای وجود ندارد !! وعجیب آن است که در آن نشست، وصیت هایی اعلان نموده اند به نام: (این؛ همانست که مردم سورية می خواهند) سپس در بنداوّل آن وصیت نوشته شده: باید مسأله سوریه بدون هیچگونه دخالت خارجی صورت پذیرد !! مسئله خنده دار که انسان را به گریه وامیدارد آنست که هنوز این موضوع نزد عدّه ای قابل قبول است..!!

و از جمله مسائل خنده داری که انسان را به گریه می اندازد، حرف عده ای است که می گویند: غریبه ها انقلاب سوریه را رو به سقوط کشاندند، و غریبه ها می خواهند خودشان، مستقل بر سوریه حکومت کنند ؟! جای خنده است که بعضی از مدعیان این قول خود را نیز "مجاهد" نام نهاده اند، دروز ونصیری ونصرانی نزد آنان : سوریه ای و پسران وطن اند و در حقوقات مساوی اند، !! اما مسلمانانی را که از عراق و جزیره عربی و اروپا و افریقا و قفقاز و غیره.. (برای دفاع از مقدسات آمده اند) غریبه اند !! مسلمان: غریب ولی کافر: هم وطن نزدیک است !! اگر این چنین جهادی است که ادعا می کنند پس ما از این جهادشان بسوی الله تعالی برائت می جوییم.. برای هیچ مسلمانی جایز نیست که در چنین جماعت و فصائلی که دارای این چنین اعتقادات جاهلی است، بجنگد، بخصوص در حالت وجود جماعت هایی که پرچم إسلامی و توحیداند، که هیچ فرقی میان عربی و عجمی، سفید و سیاه نمی گذارند بجز بر أساس تقوی، و قتالشان فقط برای إعلای کلمه الله است، نه اینکه برای وطنی بودن و قومیت و ناحیه ای یا دولت مدنی یا دمکراسی...باشد. هر مسلمانی دارای حساب نفس خویش میباشد، و انسان در این دنیا دارای یک نفس واحدی است، و خسارتمند کسی است که زندگی خود را در راه پرچمی کورکورانه و جاهلی کفری فدا نماید، و رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: **مَن قاتَل لِتَكُون كَلِمةُ اللهِ هيَ العُليا فهوَ في سبيلِ الله" (متفق علیه)** "کسی که برای إعلای کلمه الله بجنگد، آن فی سبیل الله است." پس هرکسی که در راه وطنی بودن یا ملی گرایی یا حزب یا خون یا قبیله یا خاک یا بخاطر شجاعت یا غیرت یا برای شهرت و بدست آوردن مال دنیا و غنیمت بجنگد ، در راه خدا نیست واگر کشته شود ، مرگش، بعنوان مرگ جاهلی قلمداد میشود، و رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: **" من قـتل تحت راية عمية ، يدعو عصبـية أو ينصر عصبـية ، فقتلته جاهلية " (رواه مسلم والنسائی)** : هرکسی زیر پرچم کورکورانه ای کشته شود، بسوی تعصب (قومی) دعوت کند یا تعصب (ملی گرایی) را نصرت دهد، پس کشته شدنش (در راه آن) جاهلیت بحساب می آید." (روایت مسلم و نسائی) ... کلمه الله، توحید است که عبارت است از لااله الا الله ، پس مجاهد جهاد می کند تا کسی بجز الله در روی زمین، پرستش نشود، و بجز به شریعت او حکم نشود، و نظامی مخالف أمر او برپا نگردد، و تا هر أمر جاهلی بدعت وکفر وشرکی ریشه کن گشته و از وجود محو ونابود شوند، و تا عزت برای الله و رسولش و أهل إیمان باشد، و ذلیلی و پستی برای کسی باشد که با أمر سید پیامبران مخالفت می ورزد، و جانب إسلام در حفظ

وأمان بوده و کفر نابود شده و خوار گردد، و تا اینکه، دین الله تعالی در میان مردم منتشر گشته وبوسیله این شریعت، فرماندهی شوند، تا آنان را داخل بهشت نموده یا اینکه (بعداز مخالفت و عداوت) آنان را با چاقو ها سربریده و بسوی جهنم کشاند...

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد، سخن عدّه ای است که می گویند: دولت إسلامی خوارج و دست نشانده است، می گوییم؛ چیز خنده دار، زیرا این دو مورد متناقض اند و هیچ وقت با هم جمع نمیشوند، وجای گریه است زیرا صاحب این سخن با احادیث صحیح صریح رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مورد خوارجی را که اهل افراط و زیاده روی اند، بیان فرموده است، مخالفت می ورزد، چگونه کسی که افراطی و تندرواست اما در همان حال دست نشانده و خودفروخته، است، خوارج، أصحاب پیامبر را تکفیر می نمودند بخاطر اینکه چنین می پنداشتند که آنان دچار تفریط گشته اند، پس چگونه یک خوارج می تواند (بعثی) باشد در حالی که بعث کفر صریح است !! چگونه یک تندرو افراطی می تواند در همان حال، یک تفریطی ضد دین بعثی کافر باشد..!!

و از جمله مسائل خنده دار که آدم را به گریه می اندازد، سخن آنانی است که می گویند: دولت إسلامی خوارج است زیرا " **يقتلون أهل الإسلام**" أهل اسلام را به قتل میرسانند، بدین شیوه، اما بدون ذکر بقیه و ادامه حدیث که می فرماید: "**ويدَعون أهل الأوثان**" : "و اهل کفر و بت پرستان را (بحال خود) رها می کنند" پس به نصّ حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم کسی که کافران را بِکُشد خوارج نیست، زیرا خوارج غیر اهل اسلام را نمی کُشند، توجه کن به فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم که سرانجام کسانی را که بدست خوارج کشته میشوند، چگونه معرفی می کند: "**خير قتلى تحت ظِلِّ السّماء من قَتلوه" (رواه الترمذی و صحَّحه الالبانی)** "برترین کشته شدگان زیر این آسمان کسانی اند که به دست آنها کشته می شود." (روایت ترمذی و امام البانی آن را صحیح دانسته است) این جمله که پیامبر صلی الله علیه و سلم إطلاق نموده است بر آنان، بیانگر آنست که : (خوارج) بجز أهل اسلام کسی دیگر را به قتل نمی رسانند، پس کسی که ادعا می کند،که دولت إسلامی خوارج است، پس او قائل است بر اطلاق این حدیث، بر نصیری ونصرانی و رافضی و یزیدی وملحدهای کرد که آنان بهترین کسانی هستند زیر این آسمان، زیرا بدست دولت إسلامی به قتل میرسند، پس مبارک بادی برای نصیری وروافض و یزیدی وملحدها و نصرانی ها که این دانشمندان عالم برای

آنان چنین گواهی می دهند، و از آنان می خواهیم خود را در برابر تیرهای دولت اسلامی قرار دهند تا کشته شوند و این اجر بزرگ را بدست بیاورند وتا این نصیری ونصرانی و رافضی ها و شیطان پرستان وملحدها، با کسانی حشر شوند که بهترین کشته شدگان در زیر این آسمان اند " ....!! (والعیاذبالله)

وبه مانند این سخن؛ قول دیگری است که می گویند: دولت اسلامی دروغ می گوید، خوارج است ،!! دروغ در نزد مسلمانان جزو گناهان کبیره است، اما نزد خوارج جزو نواقض اسلام بحساب می آید (و خوارج بوسیله گناه کبیره دیگران را تکفیر می نمایند)، پس چگونه کسی که دروغ را حلال می داند، خوارج است؟!

اما هنگامی که می بیند اینگونه توصیف کردن با نصوص در تضاد است، و می خواهد با این امور بازی کند، پس می گوید: کفر دولت اسلامی از خوارج شدیدتر است زیرا خوارج دروغ را حلال نمی دانند اما دولت اسلامی دروغ را حلال می داند، بدین شیوه به خزعبلات خود، نزد انسان بی عقل، رواج می دهد ، وما به این شخصی که اینگونه با نصوص بازی می کند، می گوییم: یا طبق نصوص خوارجند و یا دروغ را حلال می دانند، اگر بگویی خوارج هستن، پس جایز نیست که نسبت استحلال دروغ را به آنان داد، واگر آنان دروغ را حلال بدانند پس خوارج نیستند.. اما صفت خوارج بودن از دولت اسلامی به مجرد إعلان خود دولة که عقیده خویش را بیان داشتند، منتفی می گردد، زیرا اگر آنان دروغ گویند (در اعلان خود) طبق حکم مفهوم نصوص صحیح ، خوارج نیستند، واگر صادق باشند، دوباره خوارج نیستند، زیرا عقیده ای که اعلان نمودند، از همه جوانب مخالف عقیده خوارج است، واگر عده ای بگویند: دولة در این مورد می خواهد مردم را فریب بدهد، ما می گوییم: فریب ونیرنگ از صفات خوارج نیست، بلکه با عقیده خوارج در تناقض است و بکلی آن را ردمی کند و بلکه با نصوص صریح متناقض است، زیرا خوارج اهل غلو و افراط و تندروی هستند و فریب را در دین حلال نمی دانند و بلکه آن را از گناهان کبیره تکفیر شده، حساب می کنند، کسانی امام علی رضی الله عنه را تکفیر نمودند بخاطر اینکه تقصیراتی در تحکیم شریعت به وی نسبت میدادند، پس امثال اینان چگونه به فریب کاری می پردازند. واگر کسی بگوید که خوارج، دروغ می گویند و فریب را بکار میبرند، براستی که رسول الله را تکذیب نموده است که آنان را به غلوّ و تلاش در عبادت و افراط گریشان معرفی می کند، و اصحاب و پیشوایان مسلمانان را تکذیب نموده

است که آنان خوارج را بصداقت مثال آورده اند، أبوداود (سلیمان با أشعث) می فرماید: در میان دنبال کنندگان هوی و هوس، کسی در سخن گفتن از خوارج صادق تر نیست." (الکفایة) و اگر کسی بگوید دولت إسلامی خوارج است ودروغ نمی گوید: ما به ومی گوییم: همانا دولة عقیده خود را إعلان نموده اند که کاملا با عقیده خوارج منافات دارد...

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد، روش عمل بعضی از عقل ها است که هر آنچه می شنود و می خواند، را تصدیق می کند، در اوایل گفته شد : که دولت اسلامی تروریست است و تابع القاعدة جهادی خوارج است ، آنان تصدیق نمودند.. سپس گفتندکه: دولت إسلامی دست نشانده (نوری مالکی) است، که می خواهد بوسیله آنها ۳۶۰ درجه انقلاب کند، و این مسکین ها دوباره تصدیق کردند... سپس گفتند: دولت إسلامی دست نشانده إیران است..! و دوباره این مسکین ها آنرا تصدیق نمودند، و سپس گفتند: نه؛ دولت سلامی دست نشانده آمریکاست و آمریکا آن را سازماندهی کرده است..! دوباره اینان تصدیق نمودند.. سپس هنگامی که دولت إسلامی داخل خاک سوریه گشتند، گفتند: دولت اسلامی دست نشانده بشار أسد است، دوباره این مسکین ها باور کردند، سپس هنگامی که روسیه بطور آشکار آنان را بمباران هوایی نمود، گفتند: دولت اسلامی مزدور روسیه است، ! و این مسکین ها تصدیق کردند.. بله مسکین اند زیرا آنان هر روز، دهها بار با چشم های خود می بینند که چگونه رافضی ها و ایران و آمریکا و روسیه، دولت اسلامی را بمباران هوایی می کنند و دهها سرباز دولت اسلامی را روزانه قتل عام می کند و دولت اسلامی نیز هر روز دهها بلکه صدها تن از سربازان آنان را سربریده و به قتل میرساند، اما با این حال اینان (به تقلید از رسانه ها) باز هم براین باورند که دولت اسلامی مزدور است..!!

و از جمله مسائل خنده دار که آدم را به گریه می اندازد؛ قول عده ای که می گویند: دولت اسلامی مناطقی را که آزاد شده است (از طرف جماعت های ضد بشار) را آزاد میکند، وردّ این مقوله غریب را سخنگوی رسمی دولت اسلامی(بعدازینکه کاسه لبریز گشت)چنین إعلان نمود: " ما می پرسیم: آیا موصل و بیجی وکرکوک ورمادی و تمام غرب عراق و وسط آن قبلا آزاد شده بودند؟! !! این سرزمین چند برابر فلسطین است که زیر سلطه حکومت رافضی بغداد بود، چه کسی این مناطق ها را آزاد نمود؟ !! شاید بگویند: قبلا زیر سلطه اهل سنت بوده است !! خوب ما فرضا بنا بقول آنان، تنازل کرده و به آن اقرار می کنیم، ومی گوییم:

پس چرا اهل سنت آن همه زندانی اهل سنت را در زندانهای این کشور آزاد نکرد؟!! یا اینکه اهل سنت، زنان خود را زندانی می کردند تا رافضی ها بیایند و به آنان تجاوز کنند وحرماتشان را پایمال کنند ؟ آیا رقّة و دیرالزور و تدمر و شرق سوریه و شمال آن ، همگی آزاد شده بودند و دولة آمد آن را بتصرف خود درآورد؟ ما می گوییم : خوب فرضا شما راست می گویید، اما سؤال ما اینست: آیا کسانی که این مناطق و شهرها را آزاد نمودند، زنانشان را در زندانها باقی گذاشتند تا نصیری ها به آنان تجاوز کنند؟ چه کسی آن زنان را از زندان آزاد نمود؟ چگونه آنجا آزاد شده بوده و زنان مسلمان همواره در زندان ها باقی مانده و به آنها تجاوز می شد؟، پس اگر بحقیقت آزاد شده بود، پس کسانی را که آنجا را آزاد کردند و راضی گشتند که خواهرانشان در زندانها همواره هتک حرمت گشته و به آنها تجاوز شود، دیوث وبی ناموس بوده اند... والعیاذبالله

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ بی ادبی بعضی در تحدّی دولت اسلامی است که چرا فقط حسینیه های رافضه در شرق جزیرة العرب را منفجر می سازد، در حالی که حسینیه های معبد إسماعیلی های دوست حوثی ها در نجران سالم اند، ولی هنگامی که دولة معبد إسماعیلی ها را نیز در نجران منفجر ساخت، اینگونه اشخاص بودند که فریاد برآورده و آن را محکوم کردند وبا اسماعیلی ها ابراز همدردی وترحم نمودند ، درحالی که إسماعیلی ها فرقه کافری هستند که هیچ ارتباطی با اسلام ندارند، وکفر آنان نزد علما، مورد اتفاق است، وهیچگونه همدردی و ترحم برایشان جایز نیست، و در هیچ منطقه ای از سرزمین اسلامی، حق اقامت ندارند، حال با جزیه یا بدون جزیه، و حکم بر آنان کشتن و به جاریه گرفتن است همانگونه که ابن تیمیه رحمه الله بیان نموده اند. و بلکه کفر آنان از روافض دوازده امامی غلیظ تر است ، اما آنچه غریب و جای تعجب است، خصوم های دولت اسلامی که بر تویتر و شبکه های اینترنتی ، فعالیت می کنند، حال اینگونه معابد را بیان نمی کنند، ومی گویند: دولة، مسجدی در نجران را منفجر کرد، به اینگونه، اندازه دروغ و گمراه نمودن اینها نزد انسان عاقل مشخص میشود. بی حیایی و رسوایی اینان به چه درجه ای رسیده است، که بدینگونه بی شرمانه و بادروغ که حتی کافران قریش از آن شرم می کردند، خود را بی ارزش نموده اند، اگر دیانت، این نوع کسان را بازنمیدارد، پس شخصیت وحیاء آنانرا بازدارد تا اینگونه در مقابل مردم دروغشان نمایان نگردد..

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ موضع برخی از مردم در باره هواپیمایی که دولت اسلامی آن را در سیناء منهدم نمود، در ابتدا همگی خوشحال شدند و شروع به تکبیر وتهلیل نمودند، و بعضی می گفتند: این انتقام خداوند بود برای مردم سوریه، و بعضی شادمانی خود را درباره کشته شدن آن روسیه ای ها ابراز نمودند، اما هنگامی که دولت اسلامی منهدم کردن آن هواپیما را به عهده گرفت، " انتقام خداوند " به " عملی شیطانی" منقلب شد، و کسی که چند ساعت قبل به آن خوشحال بود، اندوهگین گشته و عصبانیت خود را بر دولة خالی نمود که؛ آنها با اینکار مجوز حمله به سیناء را برای غرب مهیا نمودند، پس به خاطر برعهده گرفتن عملیات از سوی دولت اسلامی، شادی به اندوه ومعجزه به شرّ تبدیل گشت، اما رسانه های کثیف هنور بدنبال أسباب سقوط هواپیما میگردند، و بطور مداوم مسلمانان را حول این قضیه مشغول ساخته، در حالی که ساعاتی قبل، و در همان لحظه و بلکه در لحظه های سقوط هواپیما، دهها مسلمان بوسیله جنگنده های روسیه قتل عام میشدند، انگار، هزاران مسلمانی را که توسط هواپیماهای جنگی روسیه قتل عام میشوند در برابر زنان بی اخلاق و برهنه روسی،که ازفساد در شرم الشیخ مصر برمیگشتند، هیچ قیمتی ندارند، که نتایج این عملیات، بطور موقت،توقف بی اخلاقی و بی ناموسی را در پارچه ای از سرزمین مسلمانان را در پی داشت، و از الله تعالی می خواهیم که در این سرزمین برای کافران هیچ جایگاهی نگذارد که چنان از بی اخلاق و زنان فاسد استقبال می کنند و آنان را با بدنهای عریان بر سرزمین وحی راه می دهند...

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ آنست : در حالی که جنگنده های صهیونیست وروسیه و عربی و آمریکایی واروپایی همراه با سربازان بشار و ایران و حزب اللّات و رافضی های افغانی و هندی و پاکستانی و عراقی و یمنی و ایرانی و روسی توانستند که راه را باز کرده و خود را به فرودگاه (کویرس) برسانند، تا محاصرین داخل فرودگاه (توسط دولت اسلامی) را نجات دهند، در این هنگام خبرها حاکی از آنند که بعضی از فصائل ضد بشار ان مناطق را ترک نموده اند تا دشمنان از فرودگاه دفاع نمایند، و بعضی از آنان مکان های دولت اسلامی که فرودگاه را محاصره کرده اند، را برای تحالف دست نشان نمود !! بسی جای خنده است که بعضی ازین افراد به ظهور نصیری ها و نصاری و رافضی بر دولت اسلامی ابراز خوشحالی می کند، ولی این نابغه ها نمی دانند که اگر در شکستن این محاصره موفق شوند، روسیه این پایگاه را برای موشک باران کردن علیه ثوار و معارضین دوروبر حلب بکار میگیرد

!! جای گریه است که این امر به بازی فوتبالی تبدیل شده است !! آیا این عده نمی دانند که این جهاد آینده تمامی این امت است؟!! و مانند بازی یک تیم فوتبال نیست، که در آن صدها هزار زن و طفل و پیرمرد و جوان قتل عام گشته اند، ملتی نابود گشته، اما عده ای به کف زدن و سوت کشیدن مشغولند..!!

برای اولین بار است که می بینیم کسانی بخاطر نزدیک شدن مرگشان، غریزه خصومت در قلب مریضشان را به اشباع می رسانند !! تحالف کافر، بعد از چند ماه ازجنگ و بمباران شدید، از طرفی داخل فرودگاه گشته، و بعدازینکه خسارت های جانی زیادی نیز ببار آورد، داخل فرودگاه گشت ولی فرودگاه را آزاد نکرد زیرا فرودگاه اصلا بدست دولة نیافتاده، دولة آن را محاصرة نمود ولی هنوز آنرا فتح نکرده است، اما عده ای میگویند دولة فرودگاه را تسلیم نصیری ها نمود!! به این نابغه ها می گوییم: چگونه دولة چیزی را که هنوز بدست نیاورده است تسلیم کرده، چگونه شما به هزیمت و شکست دولت اسلامی در فرودگاه خوشحال میشوید و بعد می گویید : تسلیم،؟! یا آنرا تسلیم نموده و یا شکست خورده است... براستی که در جمع بین تناقضات مهارت دارید..!!

و از جمله مسائل خنده دار که انسان را به گریه می اندازد؛ قول بعضی از آنان که می گویند: دولت اسلامی با دشمنانش ازجمله ؛ رافضی ها و نصاری و نصیری ها بطور وحشیانه ای رفتار میکند، !! نمی دانیم برادران " سو سو" از سربازان دولت اسلامی چه می خواهند !! آنچه دولت اسلامی انجام می دهد به یک دهم آنچه رافضه و آمریکا بنسبت مسلمانان در عراق انجام می دهند، نمی رسد، یا آنچه روسیه و نصیری در سوریه از هتک حرمات و سوزاندن زنده و قطع عضوها و تجاوز و فحشا و با ارّه بریدن و سوراخ کردن سر با دستگاههای برقی ومته، براستی آنچه نصاری و رافضی و نصیری انجام می دهند در عقل صحیح نمی گنجد، و قلب ساده قبول نمی کند ، سپس اینها می گویند که دولة وحشی است..!! هر کسی که می خواهد جرائم رافضی ها را بداند به کتاب " **غربان الخراب فی وادی الرافدین** " **نوشته: دکتر طه حامد دلیمی** مراجعه نماید. درین کتاب قصه های واقعی نوشته شده که براستی بچه را پیر می کند، که جریان کوچکی است از سیل فراوانی، و خبر مانند دیدن نیست...

و از جمله مسائل خنده داری که انسان را به گریه می اندازد؛ اینست که همه نیروهای نصیری و رافضی ونصرانی و یهودی و مرتد جمع گشته اند برای سعی در شکستن فرودگاه کویرس، اما مجاهدان هنوز با یکدیگر اختلاف دارند، آیا تاکنون از خود سؤال کرده اند که: بعداز اشغال منطقه و شکستن محاصرة چه خواهد شد؟ آیا بعدا بمباران روسی، جبه النصرة و أحرار و بقیه جماعات دیگر را نیز در برنمی گیرد؟!! آیا شایسته تر آن نیست که به کمک برادران خود بشتابند در کاستن این هجوم و از پشت به دشمنان ضربه بزنند تا اینکه فرودگاه به دست روسی ها نیافتد؟!!

قبلا گفته ایم و الان نیز می گوییم: دولت اسلامی تمام دشمنان اسلام را به جنگ خود مشغول ساخته است، آمریکا بجای افغانستان و پاکستان و صومالی به جنگ دولة مشغول است، و روسیه، به جای چچن به جنگ دولة مشغول است، و اروپایی ها به جای دولت های عربی به جنگ دولت اسلامی مشغول است، و جماعات مقاتل و جنگجو در شام فرصت فراوانی برای تحرّک قبل از وصول روسیه بسبب مشغول بودن آمریکا به جنگ دولة ، دارند، اما متاسفانه بعضی این فرصت طلایی را از دست داده و در کنار کافران، به زعم خوارج بودن، به جنگ با دولت اسلامی خود را مشغول ساخته، ودولة نیز – متاسفانه – در وقتی که تمام نیروهای کافر روی زمین، به جنگ وی آمده اند، خود را به جنگ بعضی از فصائل به حجت ردّة مشغول نموده است...

این دولت ها نمی توانند در جبهه های زیادی جنگ برپاکنند، و اگر سعی به آن نیز نماید، بخاطر خرج ومصارف زیاد آن، تمرکزش به درجه زیادی کمتر خواهد بود، .. اما مشکل ما در غفلت و سقوط در سیاه چاله های اختلافی است که هر بار دشمن از ما بخواهد، و دشمن با ما مانند بچه های کوچک بازی می کند، !! و بعد از سقوط تل ابیض گفتیم – که این آخرین سقوطی نیست که ما مشاهده می کنیم، زیرا ما هنوز بر روی فلسفه (من) و (جماعت) رفتار می کنیم، بجای منطق (ما) و (امت)...

اللهم ارزق قادة الجهاد الحكمة وحسن التواضع و الاخلاص.. اللهم اجمع كلمتهم، و وحد صفوفهم و ثبت رايتهم، و اجعلهم هداة مهديين واهد بهم.... اللهم ارحم من سعى في جمع كلمة المسلمين ، وشتِّت شمل من أراد تفريقهم وزرعِ الشقاق بينهم وتمزيق صفوفهم .. اللهم انصر المجاهدين في الشام والعراق وبلاد فارس ومصر وجزيرة العرب والشيشان والهند

وباكستان وبورما والفلبين والصين وطاجيكستان والصومال ومالي وليبيا وتونس والجزائر ونيجيريا وتشاد وسائر أفريقيا وآسيا .. اللهم أقم علَم الجهاد في الأرض كلها على نهج نبيّك وهمة صحابته الكرام .. اللهم ارزق هذه الأمة قادة نجباء ، وعلماء أوفياء ، وجنوداً أتقياء ، وأصلح شباب الأمة ومكّنهم النفير إلى ساحات الجهاد ليقاتلوا في سبيلك صفاً كأنهم بنيان مرصوص فيستحقوا وعدك لتمنّ عليهم بنصر من عندك سبحانك..

والله أعلم .. وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم..

كتبه: شيخ حسين بن محمود (حفظه الله)